



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: 4 آذر ۱۳۹۰

مصادف با: 29 محرم الحرام

جلسه 44

موضوع کلی: گستردگی قلمرو احکام شرعی

موضوع جزئی: قول مشهور - دلیل سوم (روایات)

۱۴۳۳

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

دلیل سوم: (روایات)

دلیل سوم بر عمومیت احکام شرعی و گستردگی شریعت به گونه‌ای که هیچ فعلی از افعال انسان خالی از حکم نباشد روایات است، به روایات متعددی برای این منظور استدلال شده که عمده این روایات در دو باب الرد إلى الكتاب و السنة از کتاب فضل العلم و باب ذکر الصحيفة و الجفر و الجامعة و مصحف فاطمه (س) از کتاب الحجّة از کتاب کافی وارد شده است. روایات، متعدد و کثیر است لکن ما برای اینکه استفاده بهتری از روایات ببریم آن‌ها را به طوائفی تقسیم کرده‌ایم که اگر بخواهیم اجمالاً طوائف این روایات را ذکر کنیم می‌توانیم بگوییم این روایات بر چهار طائفه هستند:

طائفه اول: روایاتی که بر وجود همه چیز از حلال و حرام و ما یحتاج مردم و غیر آن، در کتاب و سنت، دلالت دارد.

طائفه دوم: روایاتی که فقط بر وجود حلال و حرام در کتاب و سنت دلالت می‌کند.

طائفه سوم: روایاتی که دلالت می‌کند بر اینکه آنچه که مورد نیاز مردم است توسط خداوند متعال بیان شده است، ما یحتاج الناس الیه اعم از حلال و حرام است، بخشی از آن‌ها حلال و حرام الهی هستند و بخش دیگر ربطی به حلال و حرام ندارد.

طائفه چهارم: روایاتی که دلالت می‌کند بر اینکه غیر حلال و حرام در مصحف فاطمه ذکر شده یا اموری را ذکر کرده که آن امور از جنس حلال و حرام نیستند نه اینکه حلال و حرام را نفی کرده باشد. پس این طائفه از روایات دال بر این است که در مصحف فاطمه (س) همه چیز غیر از حلال و حرام ذکر شده است.

طائفه اول:

روایت اول: علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن حمّاد عن ابی عبد الله (ع) قال: سمعتهُ یقول: «ما من شیءٍ إلا و فیهِ کتابٌ أو سنّةٌ»^۱، این روایت به نحو عام بیان می‌کند که هیچ چیزی نیست مگر اینکه درباره آن از کتاب یا سنت مطلبی بیان شده است.

روایت دوم: از جمله روایاتی که در این طائفه قرار می‌گیرد بیانی است از علی (ع) که در ذیل آن در مورد قرآن می‌فرماید: «إن فیهِ علم ما مضی و علم ما یأتی الی یوم القیامة و حکم ما بینکم و بیان ما أصبحتم فیهِ تختلفون فلو سئلتمونی

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۹، کتاب فضل العلم، باب الرد إلى الكتاب و السنة، ح ۴.

عنه لعلمتكم^۱ در قرآن علم گذشته و علم آینده تا روز قیامت وجود دارد و همچنین حکم بین شما- اعم از خصومات و نزاعاتی که بین شما اتفاق می‌افتد و احکامی که به آن‌ها نیاز دارید- و بیان، نسبت به هر چیزی که در آن اختلاف پیدا کنید وجود دارد بعد حضرت می‌فرماید: اگر سؤال کنید من آن‌ها را به شما خواهم گفت.

روایت سوم: عن سماعة عن أبي الحسن موسى (ع) قال: «قلت له أكل شيء فيه كتاب الله و سنة نبيه أو تقولون فيه؟ قال (ع): بل كل شيء في كتاب الله و سنة نبيه»^۲ سماعه می‌گوید از امام کاظم (ع) سؤال کردم آیا همه چیز در کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) وجود دارد یا شما هم درباره آن چیزی می‌گویید؟ امام (ع) فرمودند: همه چیز در کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) وجود دارد، این روایت هم به نحو عموم بر وجود همه چیز از علم ما کان و ما یکون و از جمله حلال و حرام در کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) دلالت می‌کند.

روایت چهارم: روایت مفصلی است از ابی بصیر از امام صادق (ع)، ابی بصیر می‌گوید من وارد شدم بر امام صادق (ع) و به حضرت عرض کردم: «جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ مَسْئَلَةٍ هَهُنَا أَحَدٌ يَسْمَعُ كَلَامِي؟... يَا أَبَا مُحَمَّدٍ سَلْ عَمَّا بَدَا لَكَ قَالَ: قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنَّ شِيعَتَكَ يَتَحَدَّثُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَلَّمَ عَلِيًّا (ع) أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ... قَالَ (ع): يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ وَ مَا يَدْرِيهِمْ مَا الْجَامِعَةُ قَالَ: قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الْجَامِعَةُ؟ قَالَ (ع): صَحِيفَةٌ طَوَّلَهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا بَذَرَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ حَتَّى الْأَرْضُ فِي الْخَدَشِ وَ ضَرْبٌ بَيِّدَةٌ إِلَى...»^۳ جانم فدای شما من می‌خواهم از شما مسئله‌ای را سؤال کنم، اینجا کسی هست که صدای من را بشنود؟- معلوم می‌شود که در شرائطی بوده که نمی‌توانسته‌اند عقاید شیعه را رسماً و به طور آشکار سؤال کنند- حضرت بلند می‌شوند و مانعی را بین آن اتاق و اتاق دیگر قرار می‌دهند تا مانع از بیرون رفتن صدا شود بعد به ابی بصیر می‌فرمایند: سؤال کن، ابو بصیر اینگونه سؤال می‌کند که شیعیان شما می‌گویند: رسول خدا (ص) به علی هزار باب علم را آموخت، حضرت فرمودند: بله همین طور است تا به اینجا می‌رسد که امام (ع) به ابو بصیر می‌فرمایند: نزد ما جامعه وجود دارد و اینها نمی‌دانند جامعه چیست، ابو بصیر می‌گوید: عرض کردم جانم فدای شما باد جامعه چیست؟ حضرت فرمودند: جامعه صحیفه‌ای است که طول آن هفتاد ذراع به ذراع پیامبر (ص) است و در آن همه حلال‌ها و حرام‌ها و همه چیزهایی که مردم به آن‌ها احتیاج دارند وجود دارد حتی جبران خسارت یک ضربه کوچک بعد امام (ع) به ابو بصیر می‌فرمایند: به من اجازه می‌دهی و با دستشان ضربه‌ای آهسته به دست ابو بصیر می‌زنند یا دست او را می‌فشارند و می‌فرمایند: حتی جبران خسارتی که در اثر این ضربه آهسته پدید می‌آید در کتاب جامعه ذکر شده است؛ یعنی جزئی‌ترین امور هم در این کتاب آمده است.

۱. همان، ص ۶۱، ح ۷.

۲. همان، ص ۶۲، ح ۱۰.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۸، کتاب الحجّة، باب ذکر الصحیفة و الجفر و الجامعة و مصحف فاطمه (س)، ح ۱.

روایت پنجم: عدّه من أصحابنا عن احمد بن محمد عن علي بن الحكم عن الحسين بن أبي العلاء قال: سمّتُ أبا عبد الله (ع) يقول: «إنّ عندى الجفر الأبيض قال: قلت: فأىّ شيءٍ فيه قال (ع): زبور داوود و تورات موسى و انجيل عيسى و صحف ابراهيم والحلال و الحرام و مصحف فاطمه ما أزعَم أنّ فيه قرآناً و فيه ما يحتاج الناس إلينا و لا نحتاج إلى احد حتى فيه الجلدة و نصف الجلدة و ربع الجلدة و أرشُ الخدش»^۱، حضرت می‌فرمایند: همه آنچه که کتب آسمانی گذشته داشته‌اند و مصحف فاطمه (س) و حلال و حرام و آنچه که مردم به آن نیاز دارند در این کتاب وجود دارد.

پس ملاحظه می‌کنید که بعضی از روایات وارده در این دو باب که عرض شد دلالت می‌کند بر اینکه در کتاب و سنت همه چیز از ما يحتاج مردم و حلال و حرام و علم ما کان و ما یکون یعنی علم تکوین و تشریح در کتاب و سنت وجود دارد.

طائفه دوم:

روایتی است از صیرفی از امام صادق (ع)؛ قال: سمعتُ أبا عبد الله (ع) يقول: «عندنا ما لا نحتاج معه إلى الناس و إنّ الناس ليحتاجون إلينا و إنّ عندنا كتاباً املاءً رسول الله و خطُّ علي صحيفَةً فيها كلّ حلالٍ و حرامٍ لتأتونا بالامر فنعرف إذا أخذتم به و نعرف إذا تركتموه»^۲ ما چیزی داریم که با وجود آن به مردم احتیاج نداریم ولی مردم به ما احتیاج دارند. در این روایت آنچه که ذکر شده این است که در این مصحف حلال‌ها و حرام‌ها ذکر شده و اگر در صدر روایت گفته شده ما کتابی داریم که مردم به واسطه آن به ما احتیاج دارند و ما به مردم احتیاج نداریم لزوماً به این معنا نیست که هر چه که مورد نیاز مردم است در آن کتاب آمده است بلکه منظور این است که فقط حلال و حرام در این مصحف آمده است و فقط ما هستیم که حلال و حرام الهی را می‌دانیم.

طائفه سوم:

روایت اول: علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن حسین بن المُنذر عن عمر بن قیس عن أبی جعفر (ع) قال: «سمعتُهُ يقول: إنّ الله تبارک و تعالی لم يدع شيئاً حتى يحتاج إليه الأمة إلا انزله في كتابه و بيّنه لرسوله (ص) و جعل لكلّ شيءٍ حداً و جعل عليه دليلاً يدلّ عليه لكن و جعل علي من تعدّى ذلك الحد حداً»^۳ امام باقر (ع) می‌فرمایند: خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی را که امت به آن نیاز داشته‌اند رها نکرده مگر اینکه آن شیء مورد نیاز را در کتابش نازل کرده یا رسولش آن را بیان کرده است بعد در ادامه می‌فرمایند: خداوند تبارک و تعالی برای هر چیزی حدی گذاشته و بر آن حد هم یک دلیل و راهنما قرار داده که بر آن حد دلالت کند و برای کسی هم که از این حد تعدی کند حدی گذاشته است.

۱. همان، ح ۳.

۲. همان، ح ۶.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۹، کتاب فضل العلم، باب الرد إلى الكتاب و السنة، ح ۲.

روایت دوم: امام صادق(ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّىٰ لَا يَسْتَطِيعُ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي هَذَا الْقُرْآنِ وَ قَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ»^۱ امام صادق(ع) می‌فرماید: خداوند متعال در قرآن تبیان همه چیز را نازل کرده و به خدا قسم خداوند هیچ چیزی از اموری که مردم به آن نیاز دارند را فروگذار نکرده حتی چیزی نیست که بنده بگوید ای کاش در قرآن بود و آن چیز در قرآن نیامده باشد یعنی مواردی هم که محتمل است کسی بگوید ای کاش در قرآن بود خداوند در قرآن ذکر کرده است.

روایت سوم: عن عبدالله بن سنان عن أبي الجارود قال: قال ابو جعفر(ع): «إِذَا حَدَّثْتَكُمْ بِشَيْءٍ فَسْئَلُونِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ فِي بَعْدِ حَدِيثِهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) نَهَىٰ عَنِ الْقِيلِ وَالْقَالِ وَفَسَادِ الْمَالِ وَكَثْرَةِ السُّؤَالِ فَقِيلَ يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَيْنَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ؟...»^۲ اگر چیزی برای شما پیش آمد در مورد آن چیز از کتاب خدا از من سؤال کنید بعد فرمودند: پیامبر(ص) از قیل و قال و فساد مال و کثرت سؤال نهی فرموده‌اند بعد راوی گفت: این قیل و قال و فساد مال و کثرت سؤال چه ربطی به قرآن دارد و کجای قرآن آمده است؟ حضرت به سه آیه از قرآن اشاره می‌کنند که به نهی از قیل و قال و فساد مال و کثرت سؤال اشاره دارند.

روایت چهارم: قال ابو عبدالله(ع): «مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْتَلَفُ فِيهِ إِثْنَانٌ إِلَّا وَ لَهُ أَصْلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ لَا تَبْلُغُهُ عَقُولُ الرَّجَالِ»^۳: هیچ امری نیست که دو نفر در آن اختلاف کنند مگر اینکه در کتاب خدا اصلی درباره آن وجود دارد. در این روایت و روایت قبلی سخن از سنت نیست بلکه می‌گوید همه چیز در کتاب خدا وجود دارد. گفته نشود که این روایت باید در طائفه اول ذکر می‌شد چون یختملف فیه اثنان به نوعی مربوط به نیازهای مردم است.

طائفه چهارم:

روایت اول: از امام صادق(ع) در مورد زنادقه و ظهورشان سؤالی پرسیده می‌شود بعد راوی سؤال می‌کند: «و ما مصحف فاطمه(س)؟... دَخَلَ عَلَيَّ فَاطِمَةَ(س) مِنْ وَفَاتِهِ مِنَ الْحُزْنِ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ... ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ لَكِنْ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَكُونُ»^۴؛ راوی از امام صادق(ع) سؤال می‌کند مصحف فاطمه(س) چیست؟ حضرت می‌فرماید: بعد از آنکه پیامبر اکرم(ص) رحلت کردند حزن شدیدی بر فاطمه(س) عارض شد که آن قدر این حزن شدید بود که هیچ کس جز خداوند تبارک و تعالی از شدت حزن او آگاه نبود بعد می‌فرماید: خداوند ملکی را به سوی فاطمه(س) فرستاد تا او را تسکین دهد و در آن مدتی که ملک خدمت فاطمه(س) رفت و آمد داشت سخنانی را به فاطمه

۱. همان، ح ۱.

۲. همان، ح ۵.

۳. همان، ح ۶.

۴. اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجة، باب ذکر الصحیفة و الجفر و الجامعة و مصحف فاطمه(س)، ح ۲.

زهرا(س) می‌گفت که امیرالمؤمنین آن سخنان را می‌نوشت سپس حضرت فرمودند: در این مصحف چیزی از حلال و حرام نیست اما علم کائنات در این کتاب وجود دارد.

بحث جلسه آینده: دو روایت دیگر از روایات طائفه چهارم باقی مانده است که انشاء الله آن دو را در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»